



Presenting a social and cultural model in the process of forming gender stereotypes

Akbarzadeh Alireza ^{1✉} | Zakariaei Farideh ²

1. Corresponding Author, Department Social Sciences, Faculty of Management and Military Science, Imam Ali Military University, Tehran, IranE-mail: Ali_reza615@yahoo.com

2. Master's degree in clinical psychology. Teacher at exceptional schools, Tabriz, Iran. E-mail: Faridhzakaria@gmail.com

Abstract

Article type:

Research-based

Research Article

Article history:

Received 18 Sep 2025

Received in revised form

06 oct 2025

Accepted 21 Dec 2025

Published online 2026

Keywords: *Gender,*

Gender Stereotypes,

Gender Schema, Gender

Socialization

Objective: The present study seeks to investigate the process of forming gender stereotypes

Methodology: The type of research is descriptive-analytical and the method of analysis is analytical-inferential

Findings: Based on the presented model, our mental structure is influenced by the culture of society, which is proposed as a schema in the theory of gender schema. Schemas, which are an organized set of gender knowledge, are learned by an individual gradually and in the process of socialization based on the cultural and social content of society and through various institutions (family, school, peer group and mass media), in which the role of the family is very important because individuals within the family learn gender-appropriate characteristics from their parents through social learning mechanisms including reinforcement, imitation and observational learning, and institutionalize them in their minds and act on them when playing their roles.

Originality: Finally, it can be said that socialization through the family has the greatest impact on the formation of gender stereotypes.

Cite this article: Akbarzadeh, Alireza; Zakriyai, Farideh; and Surname, Name (Year). Presenting a Social and Cultural Model in the Process of Forming Gender Stereotypes. Quarterly Journal of Future Studies, Modern Interdisciplinary Studies, 1 (3), 4-24.



Publisher: AJA Imam Ali Military University

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



ارائه الگوی اجتماعی و فرهنگی در فرایند شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی

علیرضا اکبرزاده^۱ ✉ فریده ذکریایی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده مدیریت و علوم نظامی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران،

ایران. رایانامه: Ali_reza615@yahoo.com

۲. رشته روانشناسی بالینی. مدرس مدارس استثنایی. تبریز، ایران رایانامه: Faridhzakaria@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	پژوهش حاضر به دنبال بررسی فرآیند شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی است. نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش تحلیل روش تحلیلی- استنباطی بوده است. بر اساس مدل ارائه شده ساخت ذهنی ما متأثر از فرهنگ جامعه می‌باشد که تحت عنوان طرحواره در نظریه طرحواره جنسیتی مطرح شده است. طرحواره‌ها که مجموعه‌ای سازمان یافته از دانش جنسیتی است توسط فرد به صورت تدریجی و در فرآیند جامعه‌پذیری بر اساس محتوای فرهنگی و اجتماعی جامعه و از طریق نهادهای گوناگون (خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی) یاد گرفته می‌شود که در این میان نقش خانواده بسیار مهم است زیرا افراد در درون خانواده از طریق سازوکارهای یادگیری اجتماعی شامل: تقویت، تقلید و یادگیری مشاهده‌ای، ویژگی‌های متناسب با جنسیت را از والدین یاد می‌گیرند و در ذهن خود نهادینه کرده و در هنگام ایفای نقش خود به آن عمل می‌کنند. در نهایت می‌توان گفت که جامعه‌پذیری از طریق خانواده بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی دارد.
علمی پژوهشی	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱	
کلیدواژه‌ها:	
جنسیت، کلیشه جنسیتی، طرحواره جنسیتی، جامعه‌پذیری جنسیتی	

استناد: اکبرزاده، علیرضا؛ ذکریایی، فریده؛ و نام خانوادگی، نام (۱۴۰۴). ارائه الگوی اجتماعی و فرهنگی در فرایند



شکل‌گیری کلیشه‌های جنسیتی. فصلنامه آینده‌پژوهی، مطالعات میان رشته‌ای نوین، ۱ (۳)، ۲۴-۴.

ناشر: دانشگاه افسری امام علی (ع)

DOI: DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

مقدمه

در تمامی جوامع بشری، افراد بر حسب ملاکهای اجتماعی، نظیر نقش، پایگاه، طبقه، مذهب، نژاد و قومیت و غیره دسته بندی می شوند. یکی از مهمترین ملاکهای اجتماعی- فرهنگی برای دسته بندی افراد جامعه، جنسیت است. به عقیده بسیاری از جامعه شناسان، جنسیت شاید یگانه ویژگی مهمی است که به طور اساسی تعیین کننده ادراکات، نگرش ها، رفتارها و منزلت افراد در جامعه بوده و خود نیز به شدت تحت تاثیر یادگیری اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرد. جامعه شناسان بر این باورند که جنسیت، حداقل دارای سه سطح متفاوت و مرتبط به هم است: سطح فردی (که متشکل از نقش ها و هویت های فردی است) سطح بین فردی و کنش متقابل (که شیوه های رفتار کردن با دیگران است) و سطح کلان اجتماعی (که در بر دارنده باورهای فرهنگی و توزیع منابع می باشد) چند سطحی بودن سیستم جنسیت، به فرآیندهایی که در نهایت به باز تولید نابرابری جنسیتی در سطح کلان، فرد و کنش متقابلی به طور همزمان می انجامد، اجازه عمل می دهد.

هر یک از مقولات مرد یا زن بودن، تصورات و پیش فرض هایی را درباره نگرش ها و رفتارهای مناسب مردانه و زنانه (کلیشه های جنسیتی) به دنبال دارد که در فرهنگ هر جامعه ای تعاریف ویژه و متفاوتی می یابند. به طوری که بخش مهمی از شناخت های مربوط به نگرش ها و رفتارهای زنان و مردان ناشی از عقاید و افکار قالبی یا کلیشه هاست. بر اساس کلیشه های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی های خاص، رفتار خاص و حالات روانی خاص هستند و در نهایت قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوتند، کلیشه سازی خصوصیات و توانایی هایی را به زنان اختصاص می دهد که در مردان از آنها نشانه ای نیست و از طرف دیگر، توانایی ها و خصوصیات را به مردان نسبت می دهد که زنان از آن بی بهره اند. (میشل، ۱۳۷۶)

کلیشه های جنسیتی رایج دهنده تصویر یکنواخت و قالب بندی شده ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان است و مقصود از میزان پذیرش کلیشه های جنسیتی، میزان باور داشت فرد به برخی عقاید قالبی و کلیشه ای درباره ویژگی های رفتاری و خصوصیات فکری منتسب به مردان یا زنان در جامعه می باشد.

بیان مساله

با طبقه بندی مردم در گروه های خاص، تفاوت های فردی به حداقل می رسد ولی تفاوت بین گروه های به حداکثر افزایش می یابد. معمولاً مردم ویژگی های مربوط به خود را

متفاوت از گروه های دیگر ادراک می کنند و همواره در پی اطلاعاتی هستند که این ادراکات را مورد تایید و تقویت قرار دهند. زن ها و مرد ها هم به مثابه گروه های اجتماعی در ارتباط با یکدیگر تعریف می شوند. (کریمی، ۱۳۸۷)

در واقع بزرگترین گروه بندی در هر جامعه ای، تقسیم افراد جامعه به دو گروه زن و مرد است. زن و مرد از جهت متمایز بودن در ساختار بدنی خود دو گروه مجزا را در جامعه انسانی تشکیل می دهند. این گروه بندی به دنبال خود تفکرات قالب و کلیشه های جنسیتی را به همراه دارد. کلیشه ها در واقع تصویری هستند کلی و بی انعطاف که در ذهن انسان جای می گیرند و در قضاوت ها مورد استفاده واقع می شوند و بی هیچ تغییری تکرار و باز تولید می شوند و از تشخیص خصوصیات فردی عاجز هستند. بنابراین کلیشه های جنسیتی مجموعه ای سازمان یافته ای از باورها درباره زنان و مردان هستند. کلیشه ها یا تصورات قالبی جنسیتی در برگیرنده اطلاعات درباره ظاهر جسمانی، نگرش ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان است.

زن و مرد هر یک به دیگری صفاتی را نسبت می دهند و آن را مختص مردان و زنان می دانند و امکان متفاوت بودن زنان از یکدیگر را امری نزدیک به محال تلقی می کنند. فرهنگ جوامع در درون خود و با دیگر عناصر خود این جزء را نیز پرورش داده است. تفکرات قالبی و کلیشه های جنسیتی گاهی از آن چنان بنیان استواری برخوردارند که جزء ذاتی گروه منتسب به آن صفت تلقی می شوند.

حال این سوال مطرح می شود که آیا چنین کلیشه های جنسیتی صحت دارند و مردان و زنان به طور واقعی در شیوه های رفتاری که این کلیشه ها بیان می کنند، با هم متفاوتند؟ پاسخ به این سوال مشکل است چرا که تفاوت های بین دوجنس بیش از آن که نشان دهنده تفاوت های اساسی و بنیادین بین زنان و مردان باشد، منعکس کننده تاثیر کلیشه های جنسیتی و ماهیت خود استحکام بخش این کلیشه هاست. به عبارت واضح تر، گر چه برخی از تفاوت های واقعی بین زنان و مردان در برخی از جنبه های جسمانی و زندگی اجتماعی وجود دارد، اما شدت و گستردگی این تفاوت ها بسیار کمتر از آن چیزی است که کلیشه های جنسیتی بیان می کنند.

جنبه مساله آمیز کلیشه های جنسیتی در این است که به عامل تبعیض جنسیتی مبدل می شوند، کلیشه های جنسیتی هم برای مردان و هم برای زنان تاثیر منفی می گذارد. اگر چه تاثیر منفی آنها بر زنان بیشتر است. زیرا آنان در این کلیشه ها به صورت جنس

ضعیف (ضعیفه) و فرودست مطرح می شوند، در واقع این کلیشه ها دختران و زنان را به عنوان انسانهایی برخوردار از حقوق کامل به رسمیت نمی شناسند، از برقراری روابط هماهنگ و برابر میان دو جنس و از شرکت کامل دختران و زنان در پیشرفت جامعه خود جلوگیری می کنند و بدین ترتیب زنان از شکوفایی تمامی توانایی های انسانی خود (توانایی های معنوی، عاطفی) باز می دارند و از طرفی دیگر کلیشه های جنسیتی مردان را از شکوفایی همه جنبه های احساسات و انسانیت شان باز می دارند و باعث می شود که هر چه بیشتر به خشونت، پرخاشگری، بی اعتنائی و بی احساسی پیش بروند..

این در حالی است که در دین مبین اسلام و از نظر قرآن کریم بین زن و مرد در اصل و ریشه انسانیت که همان روح است هیچ گونه تمایزی وجود ندارد اما امروزه در جامعه ما از یک سو نهادهای خانواده و مدرسه در طی فرایند جامعه پذیری و از سوی دیگر رسانه های جمعی با انتخاب محتوا و نمایش کلیشه های جنسیتی به کلیشه سازی توصیفی و تجویزی می پردازند.

لذا سوال اصلی در پژوهش حاضر این است که امروزه در جامعه ما کلیشه های جنسیتی چگونه شکل می گیرند و آیا چنین کلیشه های جنسیتی صحت دارند و مردان و زنان به طور واقعی در شیوه های رفتاری که این کلیشه ها بیان می کنند، با هم متفاوتند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

لزوم و ضرورت پژوهش در زمینه کلیشه های جنسیتی در این است که به پیشداوری و تبعیض جنسی منجر می گردد. و تبعض جنسیتی ناشی از کلیشه های جنسیتی خود را در بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی افراد نشان می دهد. به عنوان مثال، در بخش اشتغال، برخورد های کلیشه ای به جایگاه و موقعیت زنان در اجتماعی لطمه وارد می کند. به طور کلی اشتغال زنان، بیرون از خانه، از گذشته نگرانی هایی درباره تاثیر کار بیرون بر خانواده ایجاد کرده، چنین استدلال می شد که استقلال اقتصادی زنان، ممکن است به ازدواج، رسیدگی به فرزندان و توانایی زن در به دنیا آوردن فرزندان سالم آسیب برساند. (گرت، ۱۳۸۰)

اهداف تحقیق

در تحقیق حاضر اهداف زیر دنبال می شود:

۱) ارائه توصیفی از وضعیت پذیرش و مقایسه کلیشه های جنسیتی بین زنان و مردان

- ۲) بررسی چگونگی شکل گیری کلیشه های جنسیتی
- ۳) ارائه مدل نظری جهت بیان چگونگی شکل گیری کلیشه های جنسیتی
- ۴) عوامل موثر در پویایی کلیشه سازی جنسی کدامند؟
- ۵) ارائه راهکارهایی جهت جلوگیری از اثرات زیانبار کلیشه های جنسیتی

تعریف مفاهیم

مفاهیم نظری در تحقیق مفاهیمی هستند که باید تعریف و ابعاد و دود مفهومی آنها مشخص گردد که در ذیل مفاهیم بکار رفته و مرتبط با پژوهش تعریفی می گردد.

- جنس

جنس به این موضوع اشاره دارد که یک فرد مرد یا زن است..در واقع جنس به ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد محدود می شود.(گولومبوک، ۱۳۸۴)

- جنسیت

یک معنی اجتماعی از جنس است. جنسیت مجموعه ای از ویژگی ها و رفتارهای به طور فرهنگی شکل گرفته که به شخص مونث یا مذکر نسبت داده می شود. در واقع جنسیت معرف باورها و رفتارهایی است که مرد و زن بودن (مردانگی و زنانگی) را نشان می دهد. (هام، ۱۳۸۲)

جامعه شناسان بین جنس و جنسیت تمایز قائل اند، اصطلاحاً "جنس" بر بیولوژی زن و مرد دلالت دارد. حال آنکه "جنسیت" ناظر بر ویژگی های شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می کند.

-تبعیض جنسی

تبعیض جنسی عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه بندی آنها می پردازد. به مفهوم دیگر تبعیض جنسی گرایشی است که برای تکریم یک جنس به تحقیر جنس دیگر می پردازد.(میشل، ۱۳۷۶)

-کلیشه جنسیتی

کلیشه ها مجموعه سازمان یافته ای از باورها درباره خصوصیات همه اعضای گروهی خاص است. پس کلیشه ها یا تصورات قالبی جنسیتی، به معنی مجموعه باورهایی است درباره اینکه زن و مرد بود به چه معناست کلیشه ها یا تصورات قالبی

جنسیتی در برگیرنده اطلاعات درباره ظاهر جسمانی، نگرش ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل است. (کوزر، ۱۳۸۳)

پیشینه تحقیق

پژوهش های انجام شده در زمینه کلیشه های جنسیتی در جهان و داخل کشور نمونه هایی از این کلیشه ها را معرفی می کنند. ویلیامز و بست (۱۹۸۲) با مطالعه ای که در ۳۰ کشور وسیع جهان انجام دادند عقاید مربوط به جنسیت را در نمونه هایی سنجیده اند. آنها از آزمودنی های خود خواستند تا با نشان دادن این که کدام یک از ۳۰۰ ویژگی زن و مرد را بهتر شرح می دهند، چهره خاص "زن" و "مرد" را توصیف کنند. جدول زیر نتایج تحقیق را نشان می دهد.

جدول (۱) صفات تعریف شده زنان و مردان

صفات تعریف شده زنان	فراوانی	صفات تعریف شده مردان	فراوانی
عاطفی	۸۴	پر قدرت و قاطع و تجاوز گر	۸۷
قدر دان	۷۴	بی باک و شجاع و ماجراجو	۸۸
ضعیف	۸۳	مستقل	۸۴
پر حرف	۷۸	بی نظم	۸۶
بی ثبات و بی فکر	۶۹	متهور و جاه طلب	۸۲
نجیب	۷۹	سرخوش	۵۹
سبکسر	۷۲	خشن	۷۹
عیب جو و وسواس	۶۸	تحریک ناپذیر و غیر عاطفی	۷۳
ملایم و فروتن	۷۹	مغرور	۷۷
شکوه گر	۷۸	زمتخت	۹۱
جذاب و دلربا و عشوه گر	۷۷	عبوس و سخت گیر	۸۳
بسیار صریح و تحریک پذیر	۶۷	خودنما و پرصدا	۷۱
مهربان	۸۹	خودمحور و مسلط	۸۶

۷۸	دارای اعتماد به نفس	۸۵	حساس و احساساتی
۷۷	واقع گرا و معقول و منطقی	۸۲	وابسته و مطیع
۸۹	عضلانی و قوی	۷۶	عفیف نما و ظاهر ساز
۸۰/۴	میانگین فراوانی	۷۷/۶	میانگین فراوانی

طبق نتایج پژوهش، عقاید قالبی درباره جنسیت در سراسر جهان کاملاً مشابه بوده، مثلاً اینکه زنان عاطفی، قدرشناس، ضعیف و... هستند، نتایج نشان داده که از دید مردم جهان، مردان فعال تر، قوی تر هستند و میزان تفاوت فعالیت و قدرت زن و مرد از کشوری به کشور دیگر فرق می کند به طوری کلی هر چه کشورها توسعه یافته تر باشد، تفاوت موجود در عقاید قالبی مربوط به زنان و مردان کمتر خواهد بود.

پژوهشی دیگر (۱۹۹۴) در آمریکا درباره کلیشه های جنسیتی زنان و مردان انجام شده است که نشان می دهد حتی در جامعه آمریکا و حتی در بین دانشجویان این باور وجود دارد که مردان و زنان از لحاظ روانشناسی تفاوت های زیادی دارند. (شیبلی هاید، ۱۳۸۷) فهرستی از صفات کلیشه ای در جدول زیر آمده است

جدول (۲) ویژگی های کلیشه ای شخصیت از نظر آمریکایی ها

ویژگی های مردانه	ویژگی های زنانه
بسیار پرخاشگر	بسیار ظریف
بسیار فعال	بسیار ملایم
بسیار رقابت جو	آگاه از احساسات دیگران
بسیار سلطه جو و ماجراجو	بسیار مذهبی
بسیار با اعتماد به نفس	بسیار کارآمد در عادات ها
بسیار جاه طلب	نیاز شدید به امنیت
خونسردی در مواجهه با بحران ها	دوستدار هنر و ادبیات
بسیار علاقمند به ریاضی	بسیار احساساتی

دامنه مطالعات در حوزه کلیشه های جنسیتی بسیار گسترده است و مطالعاتی که درباره بعضی از موضوعات مرتبط با کلیشه های جنسیتی انجام شده عبارتند از: باورهای رایج درباره رفتارهای احساسی زن و مرد، رواج و شیوع کلیشه های جنسیتی در کودکان، وجود کلیشه های جنسیتی در برنامه های تلویزیونی و فیلم ها، تحلیل محتوای کلیشه های جنسیتی در کتابها و ... که نتایج این مطالعات نشان می دهد که کلیشه های جنسیتی در کشورهای دیگر مثل آمریکا نیز رایج بوده و پذیرش این کلیشه ها در سنین و گروه های مختلف افراد بوده است به طوری که کلیشه های جنسیتی حتی کودکان را نیز تحت تاثیر قرار داده و منجر به رفتارهای کلیشه ای آنها حتی در استفاده از رنگ ها شده است: کلیشه رنگ صورتی برای دختران و آبی برای پسران

در ایران بیشترین مطالعات در زمینه کلیشه های جنسیتی در رسانه ها و باز تولید و ترویج کلیشه ها در رسانه انجام شده است. وجه اشتراک تمام تحقیقات انجام شده، پرداختن به مساله کلیشه های جنسیتی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم است. وجه تفاوت آنها مقولات مرتبط با کلیشه ها است که عبارتند از: کلیشه های جنسیتی در رسانه ها، کلیشه های فرهنگی در دانشجویان دختر، کلیشه های جنسیتی و تضاد نقش های زنانه، تاثیر کلیشه های جنسیتی بر نابرابری جنسیتی در خانواده و روند تغییرات کلیشه های جنسیتی در شعر کودکان و...

ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۸۶) تحقیقی در زمینه کلیشه های جنسیتی و میزان پذیرش آن در میان جوانان کارآموز در استان مازندران انجام داده که نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که مهمترین ویژگی های شخصیتی مردانه از دید آنها به ترتیب اولویت عبارتند از: پرخاشگر و عصبی، دارای قدرت مدیریت و رهبری، قوی و توانا، فعال و پرنرژی و مستقل و متکی و به خود در مقابل، مهمترین ویژگی های زنانه از دید آنها به ترتیب اولویت عبارتند از: عاطفی و حساس، جذاب و زیبا، آرام و صبور، مضطرب و نگران و وابسته و متکی به دیگران

جدول ذیل ویژگی های شخصیتی مردانه و زنانه را از دیدگاه پاسخگویان نشان می دهد:

جدول (۳) توصیف مهمترین ویژگی های شخصیتی مردانه و زنانه

دیدگاه پاسخگویان	مردانه- زنانه		کاملاً یا بیشتر مردانه			کاملاً یا بیشتر زنانه			جمع
	تعداد	درصد	رتبه	تعداد	درصد	رتبه	تعداد	درصد	
ویژگی های شخصیتی									
توانایی شغلی و حرفه ای	۳۰۰	۷۱/۸	۶	۱۰۶	۲۵/۴	۱۲	۱۲	۲/۹	۴۱۸
عقلانی و منطقی	۲۶۹	۶۳/۶	۷	۹۳	۲۲	۶	۶۱	۱۴/۴	۴۲۳
مستقل و متکی به خود	۲۴۱	۵۷/۷	۵	۱۵۲	۳۶/۴	۸	۲۵	۶	۴۱۸
فعال و پراثری	۲۲۹	۵۴/۴	۴	۱۶۲	۳۸/۵	۷	۳۰	۷/۱	۴۲۱
قوی و توانا	۲۰۸	۴۹/۹	۳	۱۹۰	۴۵/۶	۱۱	۱۹	۴/۶	۴۱۷
وابسته و متکی به دیگران	۲۰۰	۴۸/۲	۹	۴۳	۱۰/۴	۵	۱۷۲	۴۱/۴	۴۱۵
قدرت مدیریت و رهبری	۲۰۰	۴۷/۳	۲	۲۰۳	۴۸	۱۰	۲۰	۴/۷	۴۲۳
مضطرب و نگران	۱۷۷	۴۲/۲	۸	۵۳	۱۲/۷	۴	۱۸۷	۴۴/۸	۴۱۷
پرخاشگر و عصبی	۱۵۹	۳۷/۸	۱	۲۴۰	۵۷	۹	۲۲	۵/۲	۴۲۱
آرام و صبور	۱۵۲	۳۶	۱۰	۴۳	۱۰/۲	۳	۲۲۷	۵۳/۸	۴۲۲
جذاب و زیبا	۱۵۱	۳۵/۷	۱۱	۲۳	۵/۴	۲	۲۴۹	۵۸/۹	۴۲۳
عاطفی و حساس	۹۴	۲۲/۳	۱۲	۲۰	۴/۸	۱	۳۰۷	۷۲/۹	۴۲۱

همچنین در زمینه کلیشه های جنسیتی در ایران حجازی و همکارانش در یک تحقیق پیمایشی مجموعه ای از ویژگی های کلیشه ای زنانه و مردانه را تهیه کرده اند.

جدول (۴) ویژگی های نقش های کلیشه ای زنانه و مردانه

نقش کلیشه ای زنانه	نقش کلیشه ای مردانه
حساس نسبت به نیازهای دیگران	ریاست طلب بودن
احساساتی و هیجانی	مستقل و متکی بودن
صمیمی و با محبت در روابط با دیگران	هراس نداشتن از خطر
همدردی با دیگران و مراقبت از آنان	سلطه جو و کنترل کننده
زود تسلیم شدن در مقابل عقاید دیگران	رفتار همراه با خشونت
نیاز به تایید دیگران در کارها	توجه و اهمیت به مسائل جامعه
زود باور بودن و اعتماد داشتن	بلند پرواز و جاه طلب

چارچوب نظری تحقیق

با توجه به ماهیت کلیشه‌های جنسیتی که در واقع ذیل مباحث روانشناسی اجتماعی می‌گنجد، هم نظریات روانشناختی و هم جامعه‌شناختی در رابطه با محتوای کلیشه‌ها و چگونگی شکل‌گیری آن در سطح فرد و جامعه وجود دارد، لذا در این پژوهش نیز، هر دوی این نظریات مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این پژوهش از پنج نظریه (که چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهند) استفاده شده است که شامل سه نظریه: جامعه‌پذیری، نظریه نقش و نظریه کلیشه‌های جنسیتی آندره میشل از نظریات جامعه‌شناختی و دو نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه طرحواره جنسیتی از نظریات روانشناختی می‌باشد.

- نظریه طرحواره جنسیتی

طرحواره چارچوب شناخت عامی است که فرد درباره یک موضوع خاص دارد. طرحواره به ادراک، سازمان و جهت می‌بخشد. طرحواره عمل تصفیه کردن و تفسیر کردن اطلاعات را نیز انجام می‌دهد و بنابراین طرحواره‌ها می‌توانند در حافظه خطا ایجاد کنند. ادراک و حافظه فرد از اطلاعات، نتیجه تعامل اطلاعات وارد شده با طرحواره از پیش موجود در آن فرد است. به طور خلاصه می‌توان گفت، طرحواره مجموعه‌ای سازمان یافته از دانش است.

ساندرا بَم (۱۹۸۱) نظریه طرحواره را در نظریه طرحواره جنسیتی خود به کار گرفت. طرح او این است که هر یک از ما بخشی از ساختار دانش خود طرحواره جنسیتی یا مجموعه‌ای از تداعی‌های مرتبط با جنسیت داریم. بنابراین، طرحواره جنسیتی آمادگی یا زمینه اصلی را برای پردازش اطلاعات بر اساس جنسیت عرضه می‌کند. یعنی طرحواره جنسیتی گرایش ما را نسبت به اینکه بسیاری از امور را به عنوان امور مرتبط با جنسیت ببینیم و بخواهیم آنها را بر اساس جنسیت طبقه‌بندی کنیم، بازنمایی می‌کند. طرحواره جنسیتی اطلاعات جدید و در حال ورود را پردازش می‌کند و دست به تصفیه و تفسیر آن می‌زند.

بَم می‌گوید فرایند رشد و تحول اکتساب نقش جنسیتی در کودکان نتیجه یادگیری تدریجی کودک از محتوای طرحواره جنسیتی جامعه است. بَم فرض می‌کند که افراد مختلف، تا حدی طرحواره جنسیتی مختلف دارند. محتوای طرحواره‌ها از فردی به فرد

دیگر تغییر می کند، این تغییر محتوا شاید نتیجه انواع اطلاعات جنسیتی است که فرد در خانواده خود در سراسر کودکی با آن مواجه شده است. (راس، ۱۳۸۳) لوی و کارتر (۱۹۸۹) برای تبیین تفاوت های فردی در پذیرش طرحواره های جنسیتی، مفهوم طرحواره کردن جنسیت را ابداع کردند. آنها معتقدند که برای برخی از کودکان، جنسیت شیوه مهم اندیشیدن درباره دنیاست، این کودکان به اطلاعات مربوط به جنسیت و سازمان دادن اطلاعات در چارچوب طبقه بندی های مناسب جنسیت و نامناسب با جنسیت توجه بسیار زیاد دارند. شناخت اینکه زنان همدل و مردان خودکفا هستند یکی از راه های مهم و ارزشمند درک جهان است. این کودکان از نظر طرحواره کردن جنسیت در سطح بالا قرار دارند. برعکس، بعضی از کودکان جنسیت را به عنوان یک طبقه بندی برای درک جهان، مهم نمی دانند؛ آنها ممکن است بدانند که مردان خطر پذیر و زنان عاطفی هستند ولی این خیلی مهم نیست. این کودکان از نظر طرحواره کردن جنسیت در سطح بالا نیستند.

- نظریه کلیشه های جنسیتی آندره میشل

آندره میشل کتاب خود تحت عنوان «پیکار با تبعیض جنسی» را به طور کامل به بحث کلیشه های جنسیتی اختصاص داده و از آن ها به دلیل تاثیر زیادی که در رفتار نابرابر با زنان و مردان دارد، با عنوان «کلیشه های تبعیض جنسی» نام می برد. از نظر او کلیشه چیزی است که بی هیچ تغییری تکرار و بازتولید می شود، با الگویی ثابت و عام انطباق دارد و از تشخیص خصوصیات فردی عاجز است: تصورات ذهنی یکنواخت و قالب بندی شده ای که برای اعضای یک گروه مشترک است و عقیده ای به غایت ساده شده، رفتاری عاطفی و یادآوری بی آزمون و بررسی را نشان می دهد. (میشل، ۱۳۷۶)

در رابطه با محتوای کلیشه های جنسیتی، آندره میشل معتقد است که کلیشه ها ممکن است به جنبه جسمانی یک گروه انسانی (زنان یا مردان) یا به خصوصیات فکری، عاطفی و یا به جنبه ای از موقعیت اجتماعی یک گروه انسانی مربوط شوند. او برای روشن شدن محتوای کلیشه ها می گوید: این نظر که مردان پرخاشگرند داوری ناشی از تبعیض جنسی است، زیرا که پرخاشگر را به ویژگی فطری مردان تبدیل می کند و نقش تربیت را در زندگی پسرها و دخترها نادیده می گیرد، همان تربیتی که پسرها را به پرخاشگری نسبت به دیگران تشویق می کند و دخترها را به خودداری از پرخاشگری یا به هدایت آن بر ضد خودشان می کشاند.

میشل باور دارد که کلیشه های جنسیتی اثرات و پیامدهای منفی بسیاری دارند. مهمترین تاثیر آن تشدید نابرابری و تبعیض میان دو جنس است که سبب می شود همواره صفات برتر به مردان نسبت داده شده و زنان تحقیر شوند، از برقراری روابط هماهنگ و برابر میان افراد دو جنس خودداری می کند و زنان و دختران را از شکوفایی تمام تولنایی های انسانی خود (تولنایی های عاطفی، معنوی و ارادی) باز می دارند. هر چند که عرصه این نابرابری در برخی موارد شامل مردان نیز می شود. به این صورت که این کلیشه ها مردان را از شکوفایی همه جانبه احساسات و انسانیت شان باز می دارد و آنها را به سوی خشونت و رقابت و بی احساسی سوق می دهد. (ریاحی، ۱۳۸۶)

- نظریه جامعه پذیری

از دیدگاه جامعه شناسان، جامعه پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می کند و نقش اساسی در شکل گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد. به عبارت دیگر، فرآیندی است که طی آن هر فردی راهکارهای ارائه شده از جانب یک اجتماع معلوم یا گروه های اجتماعی را یاد می گیرد تا بتواند در جامعه کارکرد داشته باشد (هومین فر، ۱۳۸۲) نهادهای جامعه پذیر کننده که در هر جامعه ای وظیفه جامعه پذیر کردن افراد را به عهده دارند، عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه های همگانی (گیدنز، ۱۳۸۴)

جامعه پذیری جنسیتی یا جامعه پذیری نقش های جنسیتی، آن بخش از اجتماعی شدن است که به وسیله آن نه تنها کودکان تبدیل به موجودات اجتماعی می شوند، بلکه به افرادی با ویژگی های مردانه یا زنانه تبدیل می گردند. در این وضعیت، جنسیت یعنی مرد یا زن بودن، در بردارنده مجموعه ای از ویژگی ها و رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای زنان و مردان شایسته و مناسب می باشد. (ریاحی، ۱۳۸۶) به عبارت دیگر، جامعه پذیری جنسیتی بدین معناست که چگونه دختران و پسران امتیازها و رفتارهای مناسب از نظر جنسیتی را که بر نگرش جنسیتی آن ها اثر می گذارند، فرا می گیرند

جامعه پذیری جنسیتی فرآیندی دو طرفه است؛ در یک طرف فردی که باید جامعه پذیر شود، مانند نوزادی که از طریق کنش های متقابل با والدین و مربیان با جهان اجتماعی مواجه می شود، قرار دارد. از طریق این رودرویی ها، کودکان نه تنها سایر مردمان و جهان بیرونی را تجربه می کنند، بلکه در مورد خود نیز آگاه می شوند؛ در طرف دیگر

فرآیند جامعه پذیری، عوامل جامعه پذیری (افراد، گروه ها و سازمان هایی که اطلاعات فرهنگی را منتقل می کنند) قرار دارند. (سفیری، ۱۳۸۸)

جامعه پذیری جنسیتی از خانواده شروع می شود و به عوامل دیگری چون نظام آموزشی، گروه همسالان و رسانه های همگانی بسط می یابد (راس، ۱۳۷۳) گرچه جامعه شناسان در اهمیت خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه های گروهی در اجتماعی کردن اعضای جامعه متفق القولند، اما بسیاری از آنها بر این باورند که خانواده دارای اهمیت اساسی در جامعه پذیر کردن افراد می باشد. کودکان که به طور دائم والدین شان را در هنگام اجرای نقش های جنسیتی روزانه شان می بینند، اگر ببینند که مادرشان اغلب در داخل منزل به سر برده و پدرشان در خارج از منزل به کار اشتغال دارند، مادرشان نسبت به پدرشان وقت بیشتری را برای آشپزی، نظافت و سایر کارهای خانه داری اختصاص می دهند، طبیعی است که این کودکان نقش های مذکور را به عنوان شیوه های عادی و پذیرفته شده برای رفتار مردان و زنان تلقی کرده و آن ها را بپذیرند.

با وجود تمام دگرگونی های گسترده نهادی و فرهنگی در عصر جدید، خانواده هنوز از قدرت بالایی در اجتماعی کردن کودکان برخوردار است. این قدرت در سطوح مختلف، جامعه پذیری جنسیتی نمود بیشتری می یابد. چرا که خانواده با محدود کردن نقش های جنسیتی دختران نه تنها باعث پذیرش جنسی دوم بودن دختران می شود بلکه با محدود کردن خلاقیت ها، عرصه ها و ابعاد زندگی، عملاً شکل گیری خصوصیات دختران را مطابق با الگوهای مورد نظر طراحی می کند.

آموزش در مدارس فرآیندی رسمی است، برنامه درس هایی که دختران و پسران باید فراگیرند، مشخص است. اما از جنبه های ظریف تر، نظام آموزشی، در حکم عامل جامعه پذیری افراد، برنامه های آموزشی پنهانی را در خود نهفته دارد که مطابق با آن ها کودکان را تربیت می کند. در مبحث جامعه پذیری جنسیتی، نظام آموزشی از ابعاد متفاوتی قابل توجه است. قبل از هر چیز یادآوری این نکته ضروری است که در سطح جوامع، مدارس آموزش رسمی دختران بسیار دیرتر از مدارس پسران فعالیت خود را آغاز کردند و این تاخیر نیز با نگرش های جنسیتی به دختران در حکم زنان خنله دار آینده و به کیفیت در س های آنها همراه بود. (گرت، ۱۳۸۰)

در اصل می توان گفت ادامه روند جامعه پذیری جنسیتی در مدارس یکی از همان کارکرد های پنهان نظام های آموزشی است که به کمک باورهای کلیشه ای معلمان، مربیان، برنامه ریزان و مدیران خرد و کلان نظام آموزشی و هم چنین در لایه های آشکار و پنهان متون درسی، جامعه پذیری جنسیتی را تقویت می کند و نابرابری جنسیتی را در سطوح گوناگون اجتماعی تداوم می بخشد.

یکی دیگر از عوامل جامعه پذیری، گروه همسالان است؛ یعنی گروه های دوست که تقریباً هم سن هستند. گروه همسالان نیز در جامعه سنتی از سن معینی به بعد به لحاظ جنس تفکیک می شوند. این مسئله از دو بعد قابل توجه است. نخست آن که بر اثر این جدایی، گروه های همسال مطابق با جنس خود نقش ها و بازی های خاصی را دنبال می کنند که خود در نحوه جامعه پذیری جنسیتی نقش مهمی دارند. دیگر آنکه اعضای گروه همسال در فضای آزادتری با هم جنس های خود مجال گفت و گو، بحث و نقد مسائل را پیدا می کنند.

رسانه های همگانی، در انتقال انتظارات اجتماعی وابسته به نقش های گوناگون، تاثیر گسترده ای دارند. روزنامه، کتاب، مجله، تلویزیون، رادیو و غیره هر کدام به نحوی در انتقال پیام ها، ایدئولوژی ها یا واقعیت های اجتماعی نقشی برعهده دارند. رسانه های همگانی، با نفوذ ویژه خود در بین مخاطبان که گاه در آنان به صورت کاملاً ناخودآگاه است، تاثیرات خود را بر جامعه پذیری افراد نهادینه می کنند. تصویر کلیشه شده زن در برنامه های تلویزیونی تقریباً در همه جوامع دیده می شود. (هومین فر، ۱۳۸۲)

- نظریه یادگیری اجتماعی

از نقطه نظر این دیدگاه، تبیین مشهور در تفاوت های جنسیتی در رفتار، «شرطی سازی» است. یعنی اینکه پسران و دختران به گونه ای مناسب جنسیت خود عمل می کنند، چرا که آنها به خاطر انجام دادن برخی کارها تقویت شده اند و برای انجام دادن کارهای دیگر تنبیه شده اند. عقیده بر این است که اصول شرطی شدن عامل، اکتساب نقش های جنسیتی را تبیین می کند. بنابراین در دختران به برخی رفتارها پاداش داده می شود (تقویت مثبت)، در حالی که رفتارهای دیگر یا پاداش نمی گیرند یا حتی تنبیه می شوند، در نتیجه، دختر درصدد است تا رفتارهای تقویت شده را بیشتر انجام دهد و رفتارهای تقویت نشده را با فراوانی کمتری انجام دهد و یا به هیچ وجه به آن رفتارها مبادرت نکند.

این نظریه به منظور تبیین شکل گیری رفتار کودک از مفهوم تقویت استفاده می کند یعنی از این انگاره که پاداش ها و تنبیه ها به گونه ای متفاوت به پسران و دختران به خاطر رفتارهای وابسته به جنسیت آنها داده می شود. بدین ترتیب کودکان درصدد هستند تا رفتارهای جنسیتی مناسب را پاداش دریافت کرده اند با فراوانی بیشتر انجام دهند و رفتارهای جنسیتی نامناسب را که تنبیه شده اند با فراوانی کمتری انجام دهند. در توضیح بحث تقویت باید گفت، از نقطه نظر این دیدگاه نوزادان از هر دو جنسیت به لحاظ زیست شناختی و روان شناختی به مادر وابسته هستند. از آنجایی که مادر منبع توجه و مراقبت است. پیوند حضور مادر به راحتی باعث می شود که کودک برای حضور مادر ارزش قائل می شود و در غیاب او اضطراب یا ناراحتی را تجربه می کند، پس چون حضور مادر با لذت و عدم حضور او با ناراحتی توأم است؛ مادر معنی مهمی برای نوزاد پیدا می کند و تقویت کننده موثر رفتار کودک می شود.

اما نظریه یادگیری اجتماعی همچنین بر اهمیت دو فرآیند دیگر تاکید دارد: «تقلید و یادگیری مشاهده ای». تقلید یعنی اینکه کودکان کاری می کنند که می بینند دیگران انجام می دهند. تقلید کودک تا حدودی با نیروی مراجع قدرت بر انگیخته می شود؛ بنابراین او احتمالاً از والدین یا بزرگسالان دیگر تقلید می کند این نظریه بر حسب یادگیری نقش جنسیتی فرض می کند که کودکان تمایل دارند از یکی از والدین که همجنس خود آنهاست و از سایر بزرگسالان همجنس خود بیشتر از بزرگسالان جنس مخالف خود تقلید کنند. این ساز و کار تقلید اکتساب جنبه های پیچیده نقش های جنسیتی را تبیین می کند که احتمالاً در معرض تقویت کننده ها قرار نداشته اند. وانگهی تقلید و تقویت می توانند کنش متقابل داشته باشند. برای مثال دختر ممکن است رفتار مادر خود را تقلید کند و سپس به خاطر آن رفتار پاداش بگیرد، در اینجا باز هم فرایند شکل گیری رفتارهای جنسیتی تحقق می یابد.

یادگیری مشاهده ای به موقعیت هایی اشاره دارد که در آن کودکان از طریق مشاهده رفتار دیگران یاد می گیرند. ممکن است آنها آن کار را همان موقع انجام دهند و شاید اطلاعات را تا ماه ها یا سال های بعد مورد استفاده قرار ندهند. پس بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی سه ساز و کار تقویت، تقلید و یادگیری مشاهده ای اساس فرایند شکل گیری جنسیتی یعنی اکتساب رفتارهای وابسته به جنسیت را تشکیل می دهند (شیلی هاید، ۱۳۸۷)

- نظریه نقش

به منظور فهم نظریه نقش، در ابتدا باید مفهوم پایگاه را روشن کرد چرا که نقش به خودی خود وجود ندارد بلکه در ارتباط با پایگاه می توان برای آن موجودیت قائل شد. پایگاه، موقعیتی است در الگویی ویژه و موقعیت هر شخص را در رابطه با کل جامعه نشان می دهد. موقعیت شناخته شده ای که فرد آن را اشغال کرده، پایگاه افراد است (عضدانلو، ۱۳۸۴) مواردی مانند محل کار، شهروندی اجتماعی، مجموعه مناسبات اعتقادی و موقعیت خانوادگی

پایگاه، جدای از فردی که آن را اشغال می کند، مجموعه ای از حقوق و تکالیف مشخص است (بار، ۱۳۸۳) پایگاه و نقش دو مفهوم به هم پیوسته اند، بدین معنی که پایگاه، موضعی است که فرد در سلسله مراتب اجتماعی اشغال می کند و نقش، مجموعه امتیازات و تکالیف نهفته در پایگاه محسوب می گردد که جامعه و دارنده پایگاه متقابلاً از یکدیگر انتظار دارند.

عبارت مجموعه نقشی، به کلیه روابط نقش یک شخص که با دیگران به دلیل پایگاه اجتماعی خاص خود برقرار می کند، گفته می شود. اعضای یک نظام اجتماعی معین ممکن است به کسانی که نقش های مقرر را خوب اجرا می کنند، پاداش بدهند و آنهایی را که به این هنجارها پاسخ منفی می دهند، تنبیه نمایند می توان گفت «نقش جنسیتی» عبارت است از "انتظارات غالب در یک جامعه درباره فعالیت ها و رفتارهایی که مردان و زنان می توانند یا نمی توانند در آنها درگیر شوند" (Kammeyer, 1990) بنابراین، وقتی از مفهوم نقش جنسیتی سخن می گوئیم، علاوه بر اختصاص وظایف و کارهای خانگی یا اجتماعی جداگانه به هر یک از دو جنس، انتظار ویژگی های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هر یک از دو جنس نیز مدنظر است.

بدین ترتیب نقش های جنسیتی آن دسته از تجربیات مشترکی هستند که افراد بر مبنای مونث یا مذکر بودنشان به دست آورده و بر مبنای آن عمل می کنند. بر این اساس اعضای جامعه توقعات و انتظاراتی راجع به رفتارهای مناسب برای یک فرد دارند که این انتظارات بر پایه تعلق افراد به یکی از مقولات مرد یا زن شکل گرفته اند.

اساسی ترین ایده در نظریه نقش اجتماعی این است که؛ تفاوت های نگرشی و رفتاری مردان و زنان، ناشی از نقش های متفاوتی است که آن ها در جامعه دارند، زیرا نقش

های اجتماعی نگرش ها و رفتارهای خاصی را ایجاب یا نفی می کنند. به عبارت دیگر، موقعیت فرد در ساختار اجتماعی شکل دهنده باورها، نگرش ها و رفتارهای اوست.

چگونگی شکل گیری کلیشه های جنسیتی بر اساس نظریات مطرح شده

حال بر اساس نظریات مطرح شده می توان به این سوال تحقیق که «کلیشه های جنسیتی چگونه شکل می گیرند؟» پاسخ داد.

کلیشه های جنسیتی در فرایندی طولانی و مستمر، از زمانی که یک فرد به دنیا می آید، شروع به شکل گیری در ذهن فرد می کند. اینکه محتوای کلیشه های جنسیتی از کجا نشأت می گیرد، به ساخت ذهنی افراد بر می گردد. از این ساخت ذهنی تحت عنوان «طرحواره» یاد می شود. طرحواره، چارچوب شناختی عامی است که فرد درباره یک موضوع خاص دارد. طرحواره های مختلفی در یک جامعه وجود دارد اما آنچه که منجر به شکل گیری کلیشه های جنسیتی می شود، طرحواره جنسیتی است. طرحواره جنسیتی مجموعه ای از تداعی های مرتبط با رفتارهای شایسته زنانه و مردانه، انتظارات و تکالیف و نوع نگرش متفاوت نسبت به زن و مرد است. طرحواره جنسیتی نشأت گرفته از فرهنگ جامعه (ارزش ها، هنجارها، باورها، سنت ها، آموزه های دینی و غیره) است. بنابراین محتوای طرحواره جنسیتی جامعه، تعیین کننده کلیشه های جنسیتی در جامعه است.

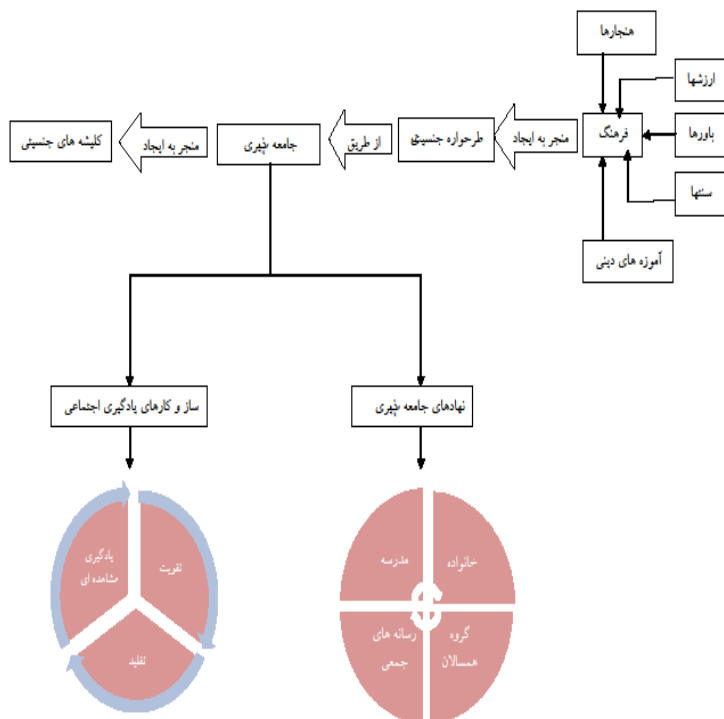
فرایند اکتساب کلیشه های جنسیتی در افراد، نتیجه یادگیری تدریجی از دوران کودکی و بر اساس طرحواره جنسیتی جامعه است. به عبارت دیگر، کلیشه های جنسیتی در فرایند جامعه پذیری در ذهن افراد نهادینه می شود و این فرآیند به کمک نهادهایی از قبیل: خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه های همگانی انجام می پذیرد. فرد در هر دوره ای تحت تاثیر شدید یکی از این نهادها قرار می گیرد. برای مثال در دوران پیش از دبستان، خانواده (روابط والدین و فرزندان، برخورد والدین با کودکانشان در شرایط مختلف) دارای اهمیت اساسی در جامعه پذیری جنسیتی افراد دارد. در سنین تحصیلی، رفتارهای معلمان، برخورد متفاوت معلمان با دختران و پسران و محتوای کتاب های درسی بر نگرش افراد به کلیشه های جنسیتی تاثیر زیادی می گذارد. اهمیت و نقش رسانه های گروهی نیز در انتقال محتوای طرحواره جنسیتی بر کسی پوشیده نیست؛ به طوری که بر اساس تحقیقات انجام شده رسانه های گروهی به طرق مختلف، الگوهای

قالبی زن و مرد را به کودکان و نوجوانان آموزش می دهند. اهمیت نقش گروه همسالان نیز تا آنجاست که حتی اگر والدین هیچ گونه جهت گیری جنسیتی، نسبت به پرورش و تربیت فرزندان دختر و پسر خود نداشته باشند، گروه همسالان کلیشه ها و نقش های جنسیتی را کاملاً تشویق می کنند.

در فرایند جامعه پذیری، بخشی از ارزش ها، هنجارها و آموزه ها از طریق یادگیری اجتماعی در افراد نهادینه می شود. یادگیری اجتماعی شامل سازو کارهایی است که شکل گیری کلیشه های جنسیتی را تبیین می کند. این سازو کارها عبارتند از: تقویت، تقلید و یادگیری مشاهده ای.

وقتی پاداش ها و تنبیه ها به گونه ای متفاوت به پسران و دختران به خاطر رفتارهای وابسته به جنسیت آنها داده می شود، کودکان درصدد بر می آیند تا رفتارهای جنسیتی مناسب را که در جامعه پاداش دریافت می کنند، انجام دهند و از رفتارهای جنسیتی نامناسب که تنبیه شده اند، دوری کنند. این سازو کار تقویت نام دارد. تقلید نیز از دیگر سازو کارهای فرایند جامعه پذیری است که به خصوص در مورد کودکان صدق می کند. تقلید کودک تا حدی با نیروی مراجع قدرت برانگیخته می شود، بنابراین کودکان از والدین و بزرگسالان تقلید می کنند. یادگیری مشاهده ای نیز سازو کار دیگری است که در آن کودکان از طریق مشاهده رفتار دیگران، یاد می گیرند.

بر اساس آنچه گفته شد، به وجود آمدن کلیشه ها بر اساس محتوای طرحواره های جنسیتی و در یک فرایند طولانی از بدو تولد و از طرف نهاد های گوناگون صورت می گیرد. در این میان برخی تفاوت ها وجود دارد. بدین معنی که همه به یک میزان این کلیشه ها را نمی پذیرند. در واقع در زمینه باورهای کلیشه ای افراد و شدت آنها تفاوت های فردی بسیاری وجود دارد. بنابراین بر اساس گفته های فوق می توان چگونگی شکل گیری کلیشه های جنسیتی را در قالب یک مدل کلی نشان داد:



شکل(۱): مدل فرایند شکل گیری کلیشه های جنسیتی

نتیجه گیری

با بررسی تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور در رابطه با کلیشه های جنسیتی و مقولات متعددی از جمله کلیشه های جنسیتی در برنامه های تلویزیونی، کلیشه های جنسیتی در کتاب های درسی و کتاب های کودکان و ... کلیشه های مربوط به زنان و مردان مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت و با مطالعه نظریات موجود در ارتباط با کلیشه های جنسیتی (نظریه هایی مانند: طرحواره جنسیتی، یادگیری اجتماعی، جامعه پذیری جنسیت و نظریه نقش) مدلی در زمینه چگونگی شکل گیری کلیشه های جنسیتی ارائه گردید.

بر اساس مدل ارائه شده ساختار ذهنی ما ناشی از وضعیت فرهنگی جامعه ای است که در آن متولد می شویم و این ساخت ذهنی که تحت عنوان طرحواره ها در نظریه طرحواره جنسیتی مطرح شده، متأثر از فرهنگ جامعه (ارزش ها، هنجارها، باورها، سنت و اعتقادات دینی) می باشد و فرد این طرحواره ها را که مجموعه ای سازمان یافته از دانش جنسیتی است به صورت تدریجی و طی فرآیند جامعه پذیری از دوران کودکی یاد می گیرد. بر اساس نظریه جامعه پذیری جنسیت، موقعیت جنسی فرد (زن یا مرد بودن) از بدو تولد موجب می شود که افراد مجموعه متفاوتی از ویژگی ها و رفتارهای شایسته زنانه و مردانه را از کودکی و در فرآیند جامعه پذیری و بر اساس محتوای فرهنگی و اجتماعی جامعه و از طریق نهادهای گوناگون (خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه های جمعی) یاد می گیرند. از میان این نهادها، خانواده نقش مهمتری دارد چرا که افراد در درون خانواده و از طریق ساز و کارهای یادگیری اجتماعی شامل: تقویت، تقلید و یادگیری مشاهده ای ویژگی های متناسب با جنسیت خود را از دیگران مهم، به ویژه والدین و سایر اعضای خانواده یاد گرفته و در ذهنشان نهادینه می شود و به هنگام ایفای نقش هایشان به آنها عمل می نمایند.

بنابراین عوامل تایید شده از بدو تولد و در فرآیند اجتماعی شدن، ذهنیت های ما را در مورد مسائل مختلف و از جمله زنان و مردان و به طور خاص تر کلیشه های جنسیتی می سازند. فرایند اجتماعی شدن به دلیل شروع از بدو تولد هر فردی، مقدم بر وضعیت تاهل و پایگاه اجتماعی و اقتصادی است که در دوره معینی به آنها دست پیدا می کند. پس می توان نتیجه گرفت فرآیند اجتماعی شدن بیشترین تاثیر را در شکل گیری کلیشه های جنسیتی و میزان پذیرش آن در فرد دارد.

پیشنهادهای

به مقوله جنسیت باید بر اساس نگرشی نو نگریسته شود و شیوه تفکر ما در باره جنسیت شالوده شکنی شود به طوری افراد در جامعه به واسطه جنسیت زنانه یا مردانه دچار محدودیت های بیهوده نشوند.

جنسیت زنان وجه کانونی هویت آنان نیست، بلکه رفتار، کردار، نگرش و شیوه تفکر آنان است که در اعصار و برهه های گوناگون هویت ساز است. بنابراین بهتر است با

زمینه سازی های فرهنگی و اجتماعی در محیط های اجتماعی از قبیل خانواده و مدرسه بر ارتباط متقابل بین جنسیت مردانه و زنانه تاکید گردد.

منابع:

- بار، ویون، جنسیت و روانشناسی اجتماعی، ترجمه حبیب احمدی و بیتا شقایق، چاپ اول، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۳.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، کیهان، ۱۳۶۶
- راس، آلن، روانشناسی شخصیت (نظریه ها و فرایند ها)، ترجمه سیلوش جمالفر، تهران، بعثت، ۱۳۷۳
- ریاحی، محمد اسماعیل، عوامل اجتماعی موثر بر میزان پذیرش کلیشه های جنسیتی، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۸۶
- ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی (اصول و مبانی)، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶
- سفیری، خدیجه و سارا ایمانیان، جامعه شناسی جنسیت، چاپ اول، تهران، جامعه شناسان، ۱۳۸۸
- شیبلی هاید، جانت، روانشناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه اکرم خمه، چاپ دوم، تهران، آگه و ارجمند، ۱۳۸۷
- عضدانلو، حمید، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران، نی، ۱۳۸۴
- کریمی، فاطمه، عوامل موثر بر میزان شکل گیری کلیشه های جنسیتی در بین دختران ۱۵-۱۸ ساله، دبیرستانهای روانسر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، رشته مطالعات زنان، تهران، ۱۳۸۷
- کوزر، لوئیس، آلفرد و برنارد ز روزنبرگ، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ یازدهم، تهران، علمی، ۱۳۸۳
- گرت، استفانی، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، چاپ اول، تهران، دیگر، ۱۳۸۰
- گولومبوک، سوزان و رابین فی وش، رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهر آرای، چاپ سوم، تهران، ققنوس، ۱۳۸۴
- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۸

میشل، آندره، پیکار با تبعیض جنسی، ترجمه محمد جعفر پوپنده، چاپ اول، تهران، نگاه، ۱۳۷۶

نوابی نژاد، شکوه، روانشناسی زن، چاپ دوم، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۸
 هام، مگی و سارا گمبل، فرهنگ نظریه های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، فرخ قره داغی و نوشین احمدی خراسانی، چاپ اول، تهران، توسعه، ۱۳۸۲
 هولمز، ماری، جنسیت در زندگی روزمره، ترجمه محمد مهدی لیبی، چاپ اول، تهران، نقد افکار، ۱۳۸۹

هومین فر، الهام، تحول جامعه پذیری جنسیتی، پژوهش زنان، چاپ سوم، دوره اول، شماره ۷، ۱۳۸۲

-Baron,R.A. ,Byrne,D. 1997, Social Psychology Prentice Hall PTR, New Delhi

-correll, S.J, 2001, Gender and the Career choice Process: The Role of Biased Self- Assessments, American Tournal of sociology 106,1691-1730

-Raty, A, Karkainen,R, 2010, Are parents academic gender stereotypes and changes in

related to their perceptions of their childs mathematical competence? Educational Studies 37, 371-374

- Kammeyer,K.C.W, Ritzer,G, Yetman,N.R,1990. sociology, experiencing changing societies. Allyn and Bacon

- Williams,J.E. Best, D.L, 1992 Measuring sex stereotypes: a thirty- nation study sage